رویکرد شیخ احمد الوائلی در مواجهه شبهات ابن تیمیه درباره امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه[1]

محمد جعفر بنی لام[2]

چکیده

اندیشه مهدویت در میان شیعیان اثنی عشری بر اساس وجود خارجی امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه استوار است مخالفان این اندیشه با طرح شبهات گوناگون درصدد رد وجود ایشان هستند از جمله آنها ابن تیمیه حرانی است که در کتاب «منهاج السنة النبوية فی نقض کلام الشيعة و القدرية» با طرح شبهات چند گانه تلاش کرد در باور منجی موعود شیعیان اثنی عشریه خدشه وارد کند. به جهت اهمیت روش و فکر احمد الوائلی در اقناع مخالفان، تلاش شده تا پاسخ های او که با روش عقلی واقناعی و با کمک براهین جدلی و با تکیه بر نصوص شرعی معتبر داده شده بیان شود.. این تحقیق بر اساس سخنرانی ها و آثار مکتوب ایشان تدوین شده و چنین نتیجه گرفته شده که شبهات ابن تیمیه بر اساس مبانی مورد قبول مسلمانان، مردود است و انتقادهای او مصداقی در میان باورهای شیعیان اثنی عشریه ندارد . وجود فعلی امام عصر لازم وضروری است و بر اساس مبانی فکری مسلمانان طول عمر امام قابل پذیرش است

کلید واژه ها : مهدویت، ابن تیمیه، شبهات مـهـد و بــت، احمد الوائلی، غیبت امام مهدی، رویت امام زمان، سرداب غیبت

مـقــدمــه :

از اموری که مورد اعتراض مخالفان شیعه واقع شده است، وجود فعلی امام مهديعجل‌الله‌تعالی‌فرجه است. آنها با تمسک به برخی دلایل دینی و علمی درصدد مخالفت با مذهب شیعه برآمدند از جمله آنها ابن تیمیه است که به اشکال گوناگون به مقابله پرداخته است. از طرفی ردیه‌هایی نیز از سوی شیعیان امامیه بر مخالفان به ویژه ابن تیمیه نوشته شده است که دراین مقاله به دنبال بیان مواجهه یکی از خطبای معروف به نام شیخ احمد وائلی بر شبهات ابن تیمیه هستیم تا اولا دلایل بی اساس امثال او آشکار شود ثانیا به جهت قدرت تاثیر بالای وائلی بر مخاطبان، این اندیشه گرانبهای اعتقاد به امام مهديعجل‌الله‌تعالی‌فرجه ترویج شود و روش مواجهه ایشان معرفی شود.

یکی از امور هویت بخش شیعه اعتقاد به وجود امام دوازدهم یا همان منجی موعود در پس پرده غیبت است که تاثیر زیادی بر اندیشه و فکر اسلامی گزارده است. اندیشه مهدی موعود شیعیان، منتهای آرزوی همه جوامع و ادیان الهی است. وجود این مصلح کبیر تحقق بخش مفهوم (خیریت) در آیه شریفه «کنتم خیر امة اخرجت للناس» (ال عمران۱۱۰) است تا امتی شاهد بر همه ملت ها ایجاد شود. تداوم جریان رسالت و امامت، بدون باور و اعتقاد به منجی موعود از نسل امامان معنا نخواهد داشت و هر کسی که در صدد نفی و رد آن باشد در واقع با اصل امامت و هدف بعثت انبیاء و اوصیا مخالفت

---

[1] این مقاله مستخرج از رساله با عنوان مولفه های فکری وجریان ساز خطیب مصلح شیخ احمد وائلی می باشد. قم، مجتمع حکمت و مطالعات ادیان وابسته به جامعه المصطفی العالمیه

[2] دانشجوی دکتری مجتمع ,آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان

کرده است، بنابراین پاسخ به شبهات مخالفان، به اثبات اصل امامت و تحقق وعده‌های قران کریم می‌انجامد. و نشان می دهد که اگر بشر در صدد اصلاح جامعه بر نیاید آسمان در این خصوص ساکت نخواهد نشست.

اندیشه مهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام عسکری علیه السلام از سوی برخی مذاهب و افرادی مانند ابن تیمیه مورد نقد قرار گرفته است از آن رو که باور به وجود فعلی امام مهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، در سعادت دنیا و استحکام عقیده و دین مسلمان شیعه تاثیر مهمی دارد لازم است به شبهات آنها پاسخ قانع کننده‌ای داده شود. از جمله کسانی که تاثیر شگرفی بر مخاطبان خود داشته و پاسخ های محکمی به شبهات ابن تیمیه داده است شیخ احمد وائلی است در این مقاله تلاش می‌شود که دیدگاه ها و پاسخ او به این شبهات بررسی و طرح شود.

احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی معروف به ابن تَیمیَه (۶۶۱ _ ۷۲۸) ق از شاخص ترین علماء منسوب به جریان سلفی که در میان اهل سنت به شیخ الاسلام معروف گشته است. (المقدسی،۲۰۰۹، ۳۹) او دارای بیش از ۲۵۰ عنوان کتاب و رساله بود و اندیشه‌هایش در عصر خود با مخالفت عمده مسلمانان روبرو شد. او کتاب منهاج السنة را در نقد کتاب «منهاج الکرامه» علامه ابن مطهر حلی نگاشت وخواسته و ناخواسته بسیاری از فضائل امام علی علیه السلام را انکار کند او در آن کتاب وجود فعلی امام عصر و باورهای مرتبط با آن را انکار کرد و شبهات و اتهاماتی علیه این اندیشه شیعه مطرح ساخت.

احمد بن حسون الوائلی اللیثی الکنانی معروف به دکتر الشیخ احمد الوائلی (١٣٤٧ تا١٤٢٥ ق) را می‌توان تاثیر گزارترین خطیب منبر حسینی معاصر قلمداد کرد او یک متفکر و قرآن شناس و مفسر زبردست، نویسنده، و شاعر بود، تفسیر موضوعی قران کریم او با عنوان «محاضرات الوائلی» در ١٥ جلد تا به حال منتشر شده است بهره گیری از عقل در کنار نقل(الوائلی ٢٠٠٩: ١١/٣٦٨)، رویکرد مثبت نسبت به پیروان مذاهب اسلامی، اعتدال در فکر و اندیشه و استفاده از جدال احسن در گفتگو(الوائلی ٢٠٠٩: ١/٥٣) دقت در نقل اصل آراء (الوائلی ٢٠٠٩: ١٣/٢٤) و استفاده از منابع دیگران (الوائلی ٢٠٠٩: ٣/٢٥٨) نمونه‌ای از روشهای ایشان است. او تلاش می‌کند که شبهات را به خود صاحبان شبهه بازگردانده، خصم را به آنچه به آن باور دارد ملزم کند، این رویکرد در کتابهای «هویة التشیع» و «من فقه الجنس» او کاملا مشهود است. او اشعار آیینی و مذهبی بسیار قوی در دفاع از اهل بیت دارد، بالاتر از همه آنها یک مصلح اجتماعی و فکری است و مبحث وحدت و تقریب امت اسلامی از دغدغه های اصلی ایشان بوده است. اندیشه‌های او باعث آگاهی بخشی و تحول مثبت در مخاطبان خود در کشورهای عربی بوده است. او توجه ویژه‌ای به پاسخ شبهات مهم اعتقادی و فکری داشته و در سخنرانی های خود به شبهات گوناگون مخصوصا در مورد امام عصر به بر اساس عقل و عرف و با تکیه بر نصوص دینی پاسخ داده است البته او برخی شبهات را شایسته طرح و نقد نمی‌دانست.(الوائلی١٤٢٦ : ١٨؛ الوائلی ١٤١٢: ٧٩) چرا که آنها را «لغو و بیهوده»، قلمدار کرده و به عمل به دستور قرآن کریم در مورد امور «لغو» : (وَ إِذا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ.) (قصص٥٥)[3] فرا می‌خواند. (الوائلی ٢٠٠٩: ٢/٢٠)

---

٣ هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می‌گردانند.

با اینکه شیخ وائلی از منتقدان سرسخت اندیشه‌های ابن تیمیه است اما هیچ گاه افکار ابن تیمیه باعث بی احترامی و ناسزا گویی و خروج از جاده اخلاق و انصاف در مورد او نشد. پیش از طرح و نقد نظریه ابن تیمیه گاهی القابی را در پیش نامش استفاده می‌کرد تا طرفداران ابن تیمیه از شنیدن بیاناتش طفره نروند. او می‌گفت: «در عین احترام ما به ابن تیمیه باید نظرات ایشان در مورد اهل بیتﷺ به گوش اهل سنت رسانده شود تا او را بهتر بشناسند».(الوائلی ۲۰۰۹: ٥/١٥٦) وائلی از اخلاق علامه حلی می گوید که مورد هجوم ابن تیمیه قرار گرفته و حتی ملقب به «ابن المنجس» شد (الوائلی ۲۰۰۹: ۱/۲٦۳) اما علامه حلی که دارای ادب علمی بود کما کان ابن تیمیه را «شیخنا الاستاذ» یا «العالم، شیخ الاسلام»(بحرالعلوم،۱۳٦۳: ۲/۲٦۳) خطاب می‌کرد. همین مساله در داوری معاصران و آیندگان در مورد این دو نفر و پذیرش آراء آنها تاثیر زیادی دارد (الوائلی ۲۰۰۹: ٤/١٥٧) و انسان نسبت به کسی که با زبان علمی و ادب لازم سخن می‌گوید احترام و اطمینان بیشتری خواهد داشت. از اینروست که سخنان وائلی در میان اهل سنت عربستان خریدار دارد و این تحقیق که از روی ملفات چاپ شده او انجام گرفته در صدد رساندن دلایل و مستندات وجود مبارک امام به منکران ایشان از مسلمانان می باشد.

اثبات لزوم وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نتایج ایجابی وسلبی آن

یکی از امور هویت بخش و اساسی شیعه اعتقاد به وجود امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف در پس پرده غیبت است. وجود امام و منجی موعود تاثیر بسیار زیادی بر اندیشه و فکر اسلامی گزارده است. شیخ وائلی معتقد بود هر چند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان شیعیان جایگاه موثرتری دارد اما روایات نقل کننده وجود ایشان در میان اهل سنت بیشتر از شیعه است مانند: «المهدی من نسل فاطمة سیدة نساء هذه الامة طالت الایام او قصرت یخرج فیملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا». (احمد بن حنبل ۲۰۰۸: ۳/۲۷ ؛ ابی داوود، ۱٤۱۷: ۲/۳۰۹) و هیچ کس از میان آنها نمی‌تواند منکر اصل وجود ایشان باشد. (الوائلی ۲۰۰۹: ۸/۲۰٤) ایشان در پاسخ به کسانی که مدعی اخذ این اندیشه از یهودیان هستند می‌گوید ما این اندیشه را از کتاب‌های روایی اهل سنت گرفته‌ایم آیا آنها جزء یهود به حساب می‌آیند؟(الوائلی ۲۰۰٦: ۲۸).

از نتایج مثبت اعتقاد به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پس پرده غیبت همانا امتثال اوامر الهی در سایه اعتقاد به وجود امام، احساس دلگرمی از حضور و ناظر بودن امام و یاری رساندن ایشان به شیعیان و عالمان، و در آخر احساس لطف الهی به بندگان با برپایی عدل و قسط در صورت قصور مردم در اجرای آن است. (الوائلی١٤٢٦: ١٨٥).

از نتایج منفی که همگان باید از آن برحذر باشند، عدم تلاش و کوشش، به بهانه انتظار مهدی موعود است تا حق آنها را از ظالمان بگیرد، وجود برخی افراد معتقد به آن باعث شد تا ابن تیمیه چنین ادعا کند که برخی از شیعیان نماز نمی‌خوانند تا مبادا در حین نماز امام عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرده و نتوانند به او ملحق شوند.(ابن تیمیه، ۱٤۱۰: ۱/۲۹) غافل از اینکه فریضه دفاع از جان و امر به معروف و نهی از منکر، چه از نزدیک و چه از دور قائم به حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست. (الوائلی١٤٢٦: ١٨٤). دومین پیامدهای منفی این است که برخی از مردم به جهت عقل گریز بودن مبحث طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اصل مباحث عقلی بی اعتماد شده‌اند. سومین پیامد منفی این است که: برخی از مردم از وجود امامی که واجب الاطاعه است اما حکم‌رانی نمی‌کند و امیری که حکم می‌راند ولی اطاعتش واجب نیست دچار تعارض شده‌اند. (الوائلي١٤٢٦:

۱۸۵). این در حالی است که بالجمله همه فقهای امامیه به لزوم حاکم عادلی که رعایت مصالح مسلمانان را داشته باشد اقرار دارند.   (الوائلی١٤٢٦: ١٨٨).

شبهات مورد توجه احمد الوائلی:

وائلی مباحث مرتبط با امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، وشبهات پیرامون آن که عمدتا توسط مخالفان شیعه و در راس آنها ابن تیمیه بیان شده در پنج مورد بررسی کرده است:

۱ –عدم اختصاص روایات وجود امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به شیعیان، ۲ – شبهات مربوط به وجود فعلی امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ۳– نتایج وجود مبارک امام در عصر غیبت٤ – پیامدهای ایجابی و سلبی اعتقاد به وجود امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. ۵ – شبهات مربوط به مکان غیبت و سرداب. (الوائلی ۲۰۰۹: ۸/۲۰۹).

اولین مواجهه وائلی به روش فکری ابن تیمیه بازگشت می‌کند چرا که داشتن رویه مشخص و علمی و التزام دائم بر آن از اصول علمی و قطعی یک جوینده حقیقت است امری که بارها مورد تاکید وائلی بوده است

وائلی معتقد بود در تحلیل وقایع تاریخی باید اصل روشمندی و واقع بینی رعایت شود نمی‌توان یک گزاره را به دلخواه خود تفسیر و معنا کرد و گزاره دیگر را نادیده گرفت. (الوائلی ۲۰۰۹: ١٠/٢٦٠) برای مثال طبری در تفسیر خود می‌گوید گوسفند قربانی که خداوند برای ابراهیم علیه‌السلام فرستاد همان قربانی بود که در زمان حضرت آدم علیه‌السلام بود (طبری١٩٦٧: ١/٢٣٤) همین مفسر، زنده ماندن یک انسان (امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) به مدت زیاد را بعید دانسته و آن را انکار می‌کند(الطبری١٩٦٧: ١/١٤٢)، اگر گوسفندی می‌تواند هزاران سال زنده بماند چگونه یک انسان نمی‌تواند مدتی به مراتب کمتر از آن زنده باشد؟   **(الوائلی١٤٢٦: ٥٦) .**   بر همین منوال در مورد ابن تیمیه می‌گوید: او از یک روش مشخص در برداشت‌ها و داوری‌ها برخوردار نبود و شواهد متعددی برای اثبات آن قابل ارائه است، برای نمونه او در کتاب «الصارم المسلول فی کفر من شتم الرسول او احد الاصحاب» دلایل متعددی در کفر ناسزا گو آورده است (ابن تیمیة١٩٩٧: ١/٤٦٧) اما همو در مقابل ناسزا گویی بنی امیه به امام علی علیه‌السلام سکوت می‌کند. (الوائلی١٤٢٦: ٤٤) و یا در عین سختگیری در تعیین مصداق روایات بر امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به سادگی آنها را بر معاویه بن ابی سفیان حمل می‌کند. (ابن تیمیه، ١٤١٠: ١/٢٩) «اگر شما زمان معاویه را درک می کردید می گفتید؛ واقعا مهدی است». (ابن تیمیه، ١٤١٠: ٦/٢٣٣) چرا ابن تیمیه با همان شدت و حدت که در مقابل شیعیان ظاهر شد در اینجا ظاهر نمی‌شود به سادگی روایات کذب اینچنینی را می‌پذیرد؟ چرا او در سند ها دقت ندارد یا بگوید این سخن در هیچ مسندی نیامده است؟ و یا فلان کس آن را نقل نکرده است! و یا این گفتار عامیانه و خلاف عقل است؟

وجود فعلی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

مساله‌ای که نقطه اختلاف شیعیان دوازده امامی از اغلب فرق اسلامی است مبحث وجود فعلی امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. مخالفان وجود فعلی امام می‌گویند شیعیان در وهم و خیال ناشی از سرکوب و بدبختی سالیان دراز خود هستند و با ابداع چنین فردی معتقدند روزی امام مهدیعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خواهد آمد و حق آنها را خواهد ستاند. در میان شیعیان، زیدی‌ها به دلیل

اعتقاد به امام حی و حاضر که قیام به سیف کرده باشد با امام زمان مورد نظر شیعیان اثنی عشری که در پس غیبت است مخالفت جدی داشتند و ردیه‌هایی بر آن نوشته‌اند و از سوی دیگر شیعیان اثنی عشری نیز پاسخ‌های محکمی به آنها دادند[٤]

در میان فرق شیعه ، زیدیه نگاهی متفاوت به مهدویت دارد و تا امام یازدهم شیعان را به عنوان امامان اجتهاد و دانش قبول دارند که در مقابل امامان اجتهاد و جهاد قرار می گیرند که در دو شخص زید و یحیی متجلی شده و از نسل فاطمی یا علوی باشد. آنها فرزند داشتن امام حسن عسکری را نمی پذیرند و در مساله ظهور امام مهدیعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف همچون اهل سنت فکر می کنند چرا که از شرایط امامت خروج و دعوت علنی است. (ابن بدر الدین١٩٩٥: ٥٢)

این شبهات گاهی از میان خود شیعیان اثنی عشری بیان می‌شود مانند نوشته‌های احمد الکاتب که وجود فعلی امام زمانعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را انکار کرده است در عین حالی که از منظر کارکرد، آن را عامل وحدت بخش بین مسلمانان قلمداد می‌کند. (احمد الکاتب، ١٩٩٨: ١٧٨).

ابن تیمیه نه تنها وجود فعلی امام را منکر بود بلکه داشتن فرزندی برای امام حسن عسکری را انکار می‌کرد او می‌گفت: «رافضیان از پیامبر اکرم روایت کرده‌اند که در آخر الزمان فردی قیام می کند که اسمش همانند اسم من است و کنیه او همانند کنیه من، زمین را پر از عدل می کند همانگونه که پر از ظلم و جور شده است او همان مهدی است. این در حالی است که اهل علم انساب گفته‌اند که حسن بن علی العسکری نسلی از خود نداشت».(ابن تیمیه،١٤١٠: ٨٦-٤/٨٧). به این ترتیب ابن تیمیه منکر فرزند داشتن امام حسن عسکری بود (الوائلی ٢٠٠٩: ٤/٨٧). به پیروی از ابن تیمیه، ناصر الدین القفاری در کتاب خود به نام «اصول مذهب الشیعة» و در شرح این سخن چنین نوشته است:

> «وقتی (امام) حسن — امام یازدهم شیعیان — در سال ٢٦٠ق فوت شد او هیچ فرزندی نداشت، و کسی نمی‌دانست که پسری در ظاهر داشته، سپس میراثشان در بین برادرش جعفر و مادرش تقسیم شد، و این اعتراف کتب شیعه است... و در نظر آنها کسی که امام ندارد دین نیز ندارد، چون آن امام حجت اهل زمین است» (القفاری١٩٩٤ : ٢/١٠٤).

وائلی در جواب این شبهات و با استفاده از دلیل تواتر به اثبات وجود امام مهدیعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌پردازد و می‌گوید شیعیان همانگونه که وجود نبی را از طریق تواتر دریافته‌اند به وجود امام مهدیعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز معتقد هستند. (الوائلی ٢٠٠٩: ٦/٣٢٠). روایات متعددی از پیامبر اکرم در خصوص امام مهديعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از ذریه او و از قریش نقل شده که جای هرگونه ابهام را پر می‌کند (الوائلی ٢٠٠٩: ١٠/٣١٨). لذا هر کسی به تواترهای موجود بی اعتنا باشد در وجود تمام انبیاء و بسیاری از اشخاص شک داشته که سر از بی هویتی مسلمانان درخواهد آورد.

با این همه، ابن تیمیه با استناد به مسند احمد بن حنبل و صحیح ترمذی و سنن ابی داوود، اصل اندیشه مهدی موعودعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را پذیرفته است.(ابن تیمیة١٤٠٤: ٤/٩٥) منابع اهل سنت درمورد وجود امام بیش از منابع شیعیان است(احمد بن حنبل ٢٠٠٨: ٣/٢٧ ؛ ابی داوود، ١٤١٧: ٢/٣٠٩) و لذا وائلی معتقد است ٩٩ درصد از روایات امام مهديعجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از

[٤] شیخ صدوق در ابتدای کتاب کمال الدین خود رساله ابو زید علوی و پاسخ ابن قبه رازی را نقل کرده است.

کتب مذاهب اربعه اهل سنت گرفته شده است و نمی‌توان همه آن روایات و مدلولات آن را نادیده گرفت. (الوائلی ۲۰۰۹: ۹/۱۱۳). هیچ کس از میان اهل سنت نمی‌تواند منکر اصل وجود ایشان باشد. (الوائلی ۲۰۰۹: ۸/۲۰٤). ایشان در پاسخ به کسانی که مدعی اخذ این اندیشه از یهودیان هستند(مجموعة من الباحثين۱٤۳۳: ٦/٥٧)و یا به دنبال شبهات‌های اندیشه مسیحا و مهدی‌عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در بین شیعیان ویهودیان هستند می‌گوید ما این اندیشه را از کتاب‌های روایی اهل سنت گرفته‌ایم آیا آنها جزء یهود به حساب می‌آیند؟ (الوائلي،۱٤۲٥: ۲۸).

ایشان در درجه بعد به روایت دال بر مرگ جاهلیت در صورت نشناختن امام زمان می‌پردازد که بدون وجود امام معنا نخواهند داشت. (الوائلی ۲۰۰۹: ۸/۲۰۹) روایت (الا من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة الجاهلية). (تفتازاني، ۲۰۰۱ : ۲/۲۷٥ ، ابن بابوية۱٤۰٤: ۱٥۲) بر لزوم شناخت امام حی و حاضر اشاره دارد قابل ذکر اینکه روایت آن نیز بسیار نقل شده است(الكليني۱٤۰۷: ۱/۱۷۸) لذا همان نتیجه‌ای که وجوب بعثت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله را اثبات می‌کند همان نیز وجوب امام زمان‌عجل‌الله‌تعالی‌فرجه را تایید می‌کند به عبارت دیگر خداوند باید حجت را بر مردم تمام کند و این اتمام حجت جز از طریق ارسال رسل و کتاب و یا تعیین وصی و جانشین میسر نمی‌شود و مجازات بندگان بدون اتمام حجت صحیح نیست، وجود کتاب آسمانی کافی برای هدایت مردم نیست اگر کتاب کافی می‌بود ارسال پیامبران بی شمار ضرورت نداشت.

وائلی در اثبات لزوم وجود امام حی می‌گوید: درست است که قرآن تبیان همه چیز است اما واقعیت امر نشان می‌دهد که قرآن کریم احتیاج به شارح و مفسر دارد چرا که هیچ آیه‌ای در قرآن نیست که تفسیرهای متعددی از آن نشده باشد یا مسلمانان در مورد جنبه‌ای از جنبه‌های آن اختلاف نکرده باشند و اجماع مسلمانان در مورد آن غیر ممکن شده است. بر این اساس یا پیامبر یا کسی که جانشین او است می‌بایست متولی تفسیر آیات قرآن کریم باشد نمونه بارز آن آیه (وحلمه وفصاله ثلاثون شهرا) (احقاف۱٥) که مفسران با وجود محدود بودن زمان حمل، به زمانهای دیگری همچون ٤ سال و۱۰ سال و ۲۰ سال نظر داده‌اند. (الوائلی ۲۰۰۹: ۱۰/۲٥۸).

به سن رشد نرسیدن امام مهدی :

ابن تیمیه، اعتقاد به امامت یک فرد خرد سال را انحراف از امامت می‌دانست و معتقد بود چنین فردی بر اساس مبانی علمی ثابت با نص قرآن و سنت و اجماع، باید تحت حضانت مادرش باشد و کسی که محتاج حضانت است چگونه می‌تواند امام باشد و در نهایت با قاطعیت گفته است که چنین فردی وجود ندارد.(ابن تیمیه، ۱٤۰٦: ٤/۸۷)

احمد الوائلی به این شبهه ابن تیمیه توجه داشته است. او می‌گوید امام جواد و امام هادی علیهما السلام در کودکی به امامت رسیدند و با اینکه بسیاری از مشککان در علم آنها خدشه کردند اما سوالات متعدد و گوناگون از این دو امام سبب ایمان آنها به این دو امام شد. لذا این امامت در سنین کم در طول تاریخ سابقه داشته است و حتی در قران کریم می‌خوانیم که خداوند حکم و نبوت را در کودکی به یحیی علیه السلام ارزانی داشت. یا يَحْيى خُذِ الْكِتابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْناهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ای یحیی! کتاب (خدا) را با قدرت بگیر و در کودکی به او حکمت (ونبوّت) دادیم. (مریم۱۲) (الوائلی ۲۰۰۹: ۱/۱۰٤)

اضافه بر آن ابن تیمیه منبع سخنان خود را بیان نمی‌کند و فقط می‌گوید که طبق نظر علما و مورخین و نسب شناسان، امام حسن عسکری فرزندی نداشته است ولی کدام علما، کدام مورخان و کدام نسب شناسان، هیچ کدام را بیان نداشته است.

این درحالی است که خود «ابن تیمیه حدیث: (المهدی من عترتی من ولد فاطمة را به اسناد احمد بن حنبل و صحیح ترمذی و سنن ابی داوود صحیح می‌داند».(ابن تيمية١٤٠٤: ٤/٩٥؛الوائلي١٤٢٦: ١٨١).

طول عمر زیاد امام

نقد دیگر ابن تیمیه بر شیعیان این است که در این زمانه عمر بشر بیشتر از صد سال نمی‌شود او می‌گوید کسانی که ادعا می‌کنند و یقین دارند که در این دنیا مخلوقی وجود دارد که عمرش بیشتر از صد سال است، آنها دروغگو هستند و دروغشان معروف و ثابت است. عبارت او چنین است:«ثم إن عمّر واحد من المسلمین هذه المرة أمر یعرف کذبه بالعادة المطردة فی أمة محمد».(ابن تیمیه، ١٤٠٦: ٤/٩١) « بدرستی که عمر بسیار داشتن مسلمانان در میان امت محمد در این زمان مساله‌ای است که مثل همیشه دروغش معروف و ثابت است». «کسی را نمی‌توان از امت پیامبر یافت که بیش از ١٢٠ سال زندگی کرده است. چه رسد به این مقدار عمر طولاني». او با نقل حدیثی از پیامبر اکرم مدعی می‌شود که در صد سال آینده کسی بیش از ١٠٠ سال زندگی نخواهد کرد و به این ترتیب هر چه زمان بیشتر می‌گذرد عمر های بنی آدم کمتر خواهد بود. (ابن تیمیه ١٤٠٦: ٤/٩١)

پاسخ اشکال طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در خصوص طول عمر امام راه کارهای زیادی ارائه شده است بسیاری تلاش کرده‌اند با استفاده از دستاوردهای جدید علمی این مساله را اثبات کنند. نمونه آن تلاش شهید صدر (ره) می‌باشد که سعی می‌کند با کمک یافته‌های علمی چنین امری را ممکن بداند.(صدر ١٣٩٧: ٦٦) و گروه دیگر که دست به دامان اعجاز و قدرت بی نهایت خداوند شدند. عمده دلایل آنها وجود روایات مثبته ١٢ امام است که بدون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن روایات بی مصداق می‌ماند و با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام لازم است که امامی بعد از او باشد تا قسط و عدل وحاکمیت وعده داده شده در قرآن کریم را محقق کند.

شیخ وائلی در میان طیف دوم قرار می‌گیرد ایشان در پاسخ به اشکال مربوط به طول عمر غیر عادی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد می‌گوید: همان اشکالات و ایراداتی که در اذهان خیلی از مردم خلجان می‌کند در اذهان ما نیز هست اما ما برابر حجم بسیاری از روایات و نصوص مثبته قرار داریم که ما را وادار به پذیرش آن می‌کند (الوائلی ٢٠٠٩: ١٠/٣٢٨) مضافا اینکه عمر طولانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امری طبیعی نیست بلکه خلاف عادت و خلاف طبیعت بشری است لذا ما آن را معجزه می‌دانیم که نظائر آن مانند پیامبران نوح و عیسی، و خضر علیه السلام هست و کسی که معتقد به معجزه باشد نمی‌تواند برخی را بپذیرد و برخی دیگر را نپذیرد. آنچه ما را به سمت معجزه بودن آن سوق می‌دهد کثرت خیلی زیاد روایات مثبته است. مردن چیزی جز قطع حیات نیست و این مانع در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود ندارد. (الوائلی ٢٠٠٩: ٨/٢٠٧).

متفکران دیگری نیز همانند وائلی از این استدلال استفاده می‌کنند. برای نمونه آیت الله جوادی آملی به پیروی از استادش علامه طباطبایی (طباطبایی ١٣٨٨: ١٩٧) در خصوص وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تقریبا همان استدلال شیخ وائلی را بیان می‌کنند:

«حیات حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محال عادی است؛ نه محال عقلی. درباره وجود مبارك حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف «برهان عقلی بر امکان» اقامه می‌شود؛ یعنی بر اساس حکم عقل، ممکن است انسان کاملی عمر

طولانی داشته باشد. ما به دیدن عمرهای کوتاه عادت کردیم. اما اگر شخصی، از همه علل و عوامل طبیعی آگاه باشد... می‌تواند عمر طولانی داشته باشد. این مسئله خارق عادت است؛ نه خارق عقل».(جوادی آملی.ع:(**۱۳۹۹/۰۱/۲۰**) سخنرانی برگرفته از لینک:

ttps://urd.ac.ir/fa/cont/ ۹۳۵۲/پاسخ-آیت-الله-جوادي-آملي-به-چهار-پرسش-درباره-امام-زمان-(عج).

و علماء دیگری نیز همچون آیت الله مکارم شیرازی به بحث معجزه بودن این طول عمر اشاره داشته اند.(مکارم۱۳۹۰: ١٤٥)

رویت امام زمان:

مبحث رویت امام نیز به وجود ایشان مرتبط شده است و برای برخی رویت از وجود مبارک ایشان مهمتر است بر این اساس افرادی بر روی اقوال مرتبط با رویت و مشاهده حضوری امام تاکید زیادی دارند. (نوری طبرسی،۱۳۷۷:۲/۳۲۰) از سوی دیگر بیشتر استدلالهای مخالفان وجود امام برگرفته از کتاب منهاج السنه ابن تیمیه است او نیز تلاش می کند که وجود فعلی و بالتبع رویت ایشان را انکار کند. او می‌گوید: از نگاه رافضي، کسی که به امام منتظر، ایمان نداشته باشد کافر است. آیا کسی این منتظر را دیده یا چیزی از سخنان یا امر و نهی او را دریافته است؟ یا به حکمی که از سخنان او نشات گرفته باشد مانند آنچه از احکامی که از امامان قبل گرفته شده است رسیده است؟، چه فایده ای از ایمان به او متصور است؟ وچه لطفی از سوی آن نصیب ما می‌شود. و چگونه خدا ما را به طاعت کسی فرا می‌خواند که هیچ از دستورات او به ما نرسیده است و هیچ راهی برای شناخت او وجود ندارد. (ابن تیمیه، ١٤٠٦:١/١٠٢)

مخالفان به چهار دلیل و مبنا منکر وجود فعلی امام(عج) هستند:

اول: داشتن چنین امری خلاف عمر طبیعی بشر است. (پاسخ آن در فقره قبل بیان شد)

دوم: وقتی امکان ارتباط گیری نیست وجود ایشان بی فایده خواهد بود.

سوم: اعتقاد به وجود ایشان باعث سستی و رخوت در جامعه و لغو تکالیف می‌شود.

چهارم: امامی که غایب است امکان حجت بودن او وجود ندارد.و هیچ مصلحتي در وجود او متصور نیست. (ابن تیمیه، ١٤٠٦:١/٥٤٨؛الوائلی ۲۰۰۹: ۲۰۲-۸/۲۰۵)پس امام وجود ندارد.

وائلی در پاسخ این شبهات می‌گوید: درباره وجود امام(عج) در منابع اهل سنت باید گفت: همه مذاهب اسلامی معتقدند منکر امام مهدی(عج) کافر است به تعبیر دیگر اعتقاد به او از ضروریات دین است و همگان به عنوان یک امر ضروری با آن برخورد می‌کنند و تنها تفاوت آنها با شیعه در به دنیا نیامدن ایشان یا اختلاف در مصداق است. «شیعیان به همان دلیل تواتر که معتقد به وجود پیامبر اکرم(ص) هستند به همان دلیل هم به وجود امام مهدی(عج) باور دارند». (الوائلی ۲۰۰۹: ٦/٣١٨).

در خصوص اشکال عدم امکان رویت امام (عج) تفسیری از توقیع شریف داده می‌شود که با رویت بدون شناخت امام منافاتی ندارد. (فقدْ وقعتْ الغیبةُ الثّانیة، فلا ظهورَ إلّا بعد إذن الله -عزَّ وجلَّ-. وسیأتی شیعتِی مَنْ یَدَّعی المشاهدةَ، ألا فَمَن ادَّعی المشاهدة قبل خروج السّفیانی والصّیحة فهُوَ کذَّابٌ مفترٍ).(طوسی١٣٨٦: ٣٩٥؛ طبرسی۱۳۷۷: ۲/۲۹۷؛ مجلسی١٤٠٣: ٥٢/١٥١).

مرحوم وائلی برداشت دیگری از آن داشته که اشاره به عدم امکان شناخت چهره امام است به این معنا که امام با هر کسی بخواهد ارتباط می‌گیرد و او را راهنمایی می‌کند البته هیچ کسی او را نخواهد شناخت. این طیف معتقدند توقیع شریف به معنی عدم امکان مشخص کردن زمان حضور است و با ملاقات با ایشان منافاتی ندارد.(نهاوندی، ۱۲۸) و یا توقیع را به معنی پایان نیابت خاص دانسته‌اند.[۵]

وائلی می‌گوید: «وجود امام لطف به مکلفان است تا قسط وعدل حاکم شود همانگونه که وجود بهشت و جهنم در زمان حال، لطف به مکلفان است ولی کسی در دنیا بهشت و جهنم را نمی‌بیند. این جواب کسی بود که معتقد به عدم رویت بود در حالی که عدم امکان رویت ثابت نیست بلکه می‌توان ایشان را دید ولی شناخت آن حضرت ممکن نیست». (الوائلی ۲۰۰۹: ۸/۲۱۰). از امام صادق ﷺ سوال کردند اگر مهدی شما موجود است چرا دیده نمی‌شود؟ ایشان پاسخ دادند: او بر سنت یوسف پیامبر ﷺ است برادرانش بر او وارد شدند و او را نشناختند این امام نیز با مردم تعامل دارد اما او را نمی‌شناسند. (الوائلي،١٤٢٥: ٢٧). امام می‌تواند دیدگاه خود را به علماء دین رسانده و یا بدون اینکه او را بشناسند به پاسخ درست سوالات رهنمون کند. (الوائلی ۲۰۰۹: ۸/۲۱۰). بنابر این روایات نشانگر غیبت از چشم و دیده مردم است نه عدم ارتباط ایشان با مردم. (الوائلی ۲۰۰۹: ۱۰/۳۲٤).

در مورد اشکال سوم می گوید: انتظار ظهور منجی موعود نه تنها عامل سستی نیست بلکه سبب حرکت است چرا انسان منتظر به طول کلی از وضع موجود راضی نیست و به دنبال ایجاد تحول است.(الوائلی ١٤٢٦: ١٨٥).

در پاسخ اشکال چهارم و عدم امکان حجت بودن، وائلی همانند بسیاری از عالمان شیعه بر خالی نشدن زمین از حجت تاکید دارد و اینکه حجت های الهی ظاهر و مخفی هستند (الوائلی ۲۰۰۹: ۱۰/۳۲۲). «ان الارض لا تخلوا من حجة» (الصدوق۱۳۹۵: ۲/۵۱۱) به این امر دلالت می‌کند که حجت باید نماینده پیامبر اکرم باشد و کسی غیر از معصوم نمی‌تواند چنین وظیفه‌ای را بر عهده بگیرد. (الوائلی ۲۰۰۹: ۸/۲۰٦)[۶]

مکان غیبت امام زمان

یکی از بحثهایی که مطرح شده است بحث مکان غیبت امام مهدی (عج) است. به نظر ابن تیمیه، شیعیان به این باور بودند که امام مهدی (عج) در سرداب غایب شده است. این اتهامات در کتاب منهاج السنه ابن تیمیه و اشخاصی دیگر در مورد «رافضه» بیان شده است. (ابن تیمیه، ۱٤۱۰: ۱/۱۰۲؛ الهیتمي۲۰۰۸: ۲/٤۸۲) و مقصود او از رافضه جماعتی غیر از زیدیه هستند. او می‌گوید:

[۵] التوقيع الشريف الوارد لعلى بن محمد السمري: (ألا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفياني والصيحة فهو كذاب مفتر..) محمول على من يدّعى المشاهدة مع النيابة وإيصال الأخبار من جانبه الى شيعته على نحو السفراء والنواب.

[۶] www.alkawthartv.com/news/۱۷۳٦۷۸

«آنچه شایسته است دانسته شود این است که آنچه که از گفتار و کردار بدی که در شیعه به معنای عام بیان کردیم هر چند که بیش از این مقدار است اما شاید همه آنها در امامیه اثنی عشریة نباشد و نه حتی در زیدیه و بلکه اکثر آنها در غالیان و عوام الناس آنها است... هر چند که علمای آنها چنین نظری ندارند». (ابن تیمیه، ۱٤۱۰: ۱/۵۷).

ابن قیم جوزیه نیز به استناد سخنان استادش ابن تیمیه، چنین گفته است:

«رافضه امامیه ادعا می‌کنند که امام موعود محمد بن حسن عسکری از نظر آنها در سال ۲٦۰ یا نزدیک آن در سامرا داخل سرداب شد، و آنها در بعضی اوقات در همان مکان با حیواناتشان یا الاغشان یا اسبشان می‌مانند، تا آن حضرت اگر از سرداب بیرون آمد سوار آن بشود، آنها در آن مکان در وقت‌های معین حاضر می‌شوند، در آنجا کسی وجود دارد که وی را صدا می‌زنند تا خارج شود: یا مولای ما! بیرون بیا..» (ابن قیم، ۱۹۷۰: ۱۵۲).

در این میان بحثی فرعی به نام «سرداب» و خرافات مرتبط با آن مطرح است، و کم کم توسط مخالفان گسترش یافته و تبدیل به یک نظر جدید شد به این معنا که شیعیان می‌گویند نه فقط امام مهدی (عج) در آن سرداب غایب شده بلکه در همان جا ساکن است و از همان جا ظهور خواهد کرد (الوائلی ۲۰۰۹: ۵/۱۷٦) ، و شیعیان در همان جا با اسب و اسلحۀ، منتظر ظهور امام مهدی ؑ هستند. گفته شده امام مهدیؑ در آن سرداب مخفی شده است(الوائلی ۲۰۰۹: ۱۱/۳۰٤) و روزی از همان سرداب بیرون خواهد آمد یاقوت حموی در معجم البلدان گفته که خروج امام از این سرداب خواهد بود و علی رغم خرابی شهر سامرا، سرداب تا به حال سالم مانده.است(الحموي۱٤۱۰: ۳/۱۷۳) و غزالی که یکی از وزنه‌های اندیشه اسلامی است گفته است:

شیعیان معتقد به ۱۲ امام هستند و آخرین نفر آن‌ها صاحب الزمان است که روزی از سردابی که در آن مخفی شده است بیرون خواهد آمد و آنها هنگام غروب منتظر امام مهدیؑ هستند و بعد از آن با ناامیدی به خانه‌هایشان باز می‌گردند. این قول ظاهر البطلان و زشتی است البته هیچ ضرری به دین نمی رساند.(الغزالی ۱۹۹۲: ۷۳).

این خلدون با پذیرش تعداد کمی از روایات مرتبط با امام مهدی به اصل وجود او اعتراف می کند اما به برخی کارهای که به شیعان نسبت داده شده است اعتراض می کند: شیعیان هم‌اکنون نیز بعد از نماز مغرب مقابل درب این سرداب، با اسب‌های آماده جمع می‌شوند و او را به اسم صدا می‌زنند که: ای سرور ما اکنون ما آماده‌ایم ظهور کن. (ابن خلدون،۱۹۹۲: ۱/۱۵۷)

وائلی در پاسخ می‌گوید: سرداب محل ولادت امام مهدیؑ و سکونت سه تن از امامان (محمد الهادی، حسن العسکری و امام مهدی) علیهم السلام بوده مورد احترام و توجه شیعیان و برخی از اهل سنت است، خنکی هوا در زیر زمین سبب زندگی مردم در زیر زمین می‌شد. این سرداب در واقع محل زندگی خانواده امامؑ در آن زمان بوده تا از گزند گرما در امان باشند و به هیچ وجه مخفی شدن امامؑ در آن صحت ندارد و مع الاسف در زمان ما برخی از همین سرداب و یا همین گونه مطالب در حال ارتزاق هستند. (الوائلی ۲۰۰۹: ۹/۱۱۳) تعریف لغوی سرداب درفرهنگ لغت ها نیزمویداین

قول است. «خانه‌ای که در زیر زمین سازند تا در گرما به آن پناه برند و آب در آنجا نگاه دارند تا سرد بماند». (فرهنگ دهخدا).

این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که هیچ مستندی از کتابهای عالمان شیعه ارائه نشده است و سزاوار بود که این اتهام زنندگان دلایل خود را نیز ذکر کنند. بر خلاف نظر آنها محل ظهور امام بر طبق روایات شیعه، مکه مکرمه خواهد بود و به هیچ وجه سخنی از سرداب نیامده است.

کسانی مانند آلوسی که صاحب تفسیر است می‌گوید که شیعیان خمس اموال خود را جمع آوری می‌کنند و در آن سرداب قرار می‌دهند تا هنگامی که صاحب الزمان خروج کرد آن را بردارد (الألوسي ٥/٢٠٣). وائلی با تعجب سوال می‌کند «آیا همه اموال بی شماری که شیعیان در طول چهارده قرن جمع آوری کرده‌اند تا به حال آن سرداب را پر نکرده است؟». (الوائلی ٢٠٠٩: ٩/١١٣).

عدم تطابق اسم امام با احادیث مثبته

ابن تیمیه اعتقاد داشت که امام مهدی شیعه با امام مهدی اهل سنت اختلاف دارد او به حدیث کنیه امام مهدی که در سنن ابی داوود نقل شده است ومفاد آن اینگونه است «لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم.. حتی یبحث فیه رجلاً من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی[٦].» (ابی داوود، ١٤١٧: ٢/٣٠٩). می‌گوید: بنا بر این حدیث، مهدی شیعه با مهدی اهل سنت فرق می‌کند: «اسم او مثل اسم من، و اسم پدرش مثل اسم پدرم، پس مهدی که حدیث پیامبر صلی الله علیه (وآله) و سلم به آن اشاره کرده است اسمش محمد بن عبد الله است نه محمد بن الحسن». (ابن تیمیه، ١٤١٠: ٤/٢٩).

وائلی در خصوص این حدیث واضافاتی که باعث شده ابن تیمیه به آن ایراد بگیرد معتقد است که آنچه از پیامبر اکرم نقل شده است همان (اسمه اسمي) است و اضافات بعد از آن دستکاری دیگران است. (الوائلی ٢٠٠٩: ٨/٢١٤). و حدیث نقل شده از پیامبر اکرم به این صورت است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَا تَنْقَضِي الْأَيَّامُ وَلَا يَذْهَبُ الدَّهْرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي». (الترمذي، ١٤١٥ : ٦/٤٤) روزها به پایان نمی آید و روزگار به انتها نمی‌رسد تا اینکه مردم عرب صاحب مردی از اهل بیت من شوند که اسم او همانند اسم من است.

با توجه به اینکه این روایت فقط در سنن ابی داوود آمده است و بر فرض صحت اضافات، برخی صاحبنظران شیعه، توجیه‌های مناسبی ارائه کرده‌اند مانند، اسم امام حسن عسکری عبدالله و کنیه او نیز ابو محمد همانند کنیه امام حسن عسکری «ابومحمد» است و چون عبدالله پدر حضرت محمد بوده است، لقبش «ابومحمد» خواهد شد و جمله «اسم ابیه اسم ابی» به این حقیقت اشاره دارد(صافی گلپایگانی، ١٣٨٠ ، ٢٩٦).

---

[٦] «اگر از عمر دنیا یک روز باقی بماند، خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا اینکه فردی از اهل بیت من مبعوث شود که اسم او با اسم من و اسم پدر او با اسم پدر من مطابقت دارد.

نتیجه

وائلی ازظرفیت‌های کلامی و روایی که مورد اتفاق مسلمانان است و بر اساس منطق و عقل، مساله وجود مبارک امام و شبهات ابن تیمیه را در عین رعایت جوانب اخلاقی در گفتار، حل و فصل کرده و با روش اقناعی خاص خود که تا حدودی با روش دیگر متفکران تفاوت دارد به شبهات پیرامون امام مهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ داده است. روش پاسخ گویی اگر بر مبنای استفاده از مفاهیم مورد پذیرش خصم باشد پذیرش آن آسان خواهد بود.

ایشان در مباحث وجود فعلی امام ، طول عمر ایشان ، رویت و مکان غیبت ، سن کم امام در زمان شروع امامت و مساله سرداب سامرا به شبهات ابن تیمیه پاسخ داده است.

وائلی اثبات می کند که لزوم وجود امام مهدی عج همانند لزوم پیامبر اکرم است و به دلیل تواتر ما معتقد به وجود امام هستیم همانگونه که به پیامبر اعتقاد داریم. ایشان طول عمر مبارک امام را بر اساس معجزه توجیه کرده و رویت و بهره گیری از امام بدون شناخت ایشان را ممکن می داند. در خصوص اسم امام و نام پدر ایشان در روایات توضیحاتی داده تا شبهه مخالفان بی اثر شود. در خصوص سرداب نیز امور خرافی پیرامون آن را به شکلی منطقی و عرفی پاسخ داده است.

فـهـرست مـنـابـع:

۱. **قرآن کریم**

۲. ابن بابوية ابوالحسن على ابن الحسين، **الامامة والتبصرة من الحيرة**، الطبعة الاولى قم، ١٤٠٤ق، ص ١٥٢. شرح المقاصد، ج۲، ص۲۷۵.

۳. ابن بدر الدين ، حسين ، العقد الثمين في معرفة رب العالمين، مكتبة التراث الإسلامي، تحقيق محمد يحيى سالم، الطبعة الثانية ، ١٩٩٥م

٤. ابن تيميه الحراني، تقى الدين احمد بن عبدالحليم ، **منهاج السنة النبوية فى نقض كلام الشيعة القدرية**، تحقيق محمد رشاد سالم، بيروت، لبنان، ١٤١٠ ق.

٥. ابن تيميه الحراني، تقى الدين احمد بن عبدالحليم ،**الصارم المسلول على شاتم الرسول**،تحقيق محمد بن عبدالله بن عمر الحلوانى،رياض، الطبعه الاولى، ١٩٩٧م.

٦. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد ، **مقدمة ابن خلدون** ، تحقيق ا.م. كاتمير، بيروت لبنان ، ١٩٩٢م.

٧. احمد الكاتب، **تطور الفكر السياسى الشيعى من الشورى الى ولاية الفقيه**، دار الجديد بيروت لبنان الطبعة الاولى ١٩٩٨م.

٨. الألوسي، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوسي، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، المحقق: علي عبد الباري عطية ، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٥ هـ

٩. بحر العلوم، السيد محمد مهدي، **الفوائد الرجالية**، تحقيق محمد صادق بحر العلوم، طهران، ایران، منشورات مكتبة الصادق، مكتبة الصادق، ١٣٦٣ه.ش.
١٠. الترمذی، الحافظ ابی عیسی محمد بن عیسی ، **الجامع الکبیر سنن الترمذی**، دار الغرب الاسلامی - بیروت، چاب اول ١٤١٥ ق.
١١. تفتازانی، سعد الدین، مسعود بن عمر، **شرح المقاصد**، تعلیق ابراهیم شمس الدین، دارالکتب العلمیة، الطبعة الاولی، ٢٠٠١م.
١٢. الجوزية ، ابن قیم شمس الدین ابی عبدالله، **المنار المنیف فی الصحیح والضعیف**، تحقیق عبدالفتاح ابوغدة،، مکتب المطبوعات الاسلامیة الطبعة الاولي، ١٩٧٠م.
١٣. الحموي، یاقوت بن عبدالله، **معجم البلدان**، تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، دار الکتب العلمیة، بیروت، لبنان، ١٤١٠ق .
١٤. حنبل، احمد، **مسند احمد بن حنبل**، تحقیق شعیب الارنوط و شعیب عادل، دار الکتب العلمیة، بیروت لبنان، الطبعة الاولی، ٢٠٠٨م.
١٥. السجستاني، ابی داوود سلیمان بن اشعث، **سنن ابی داوود**، مکتبة المعارف، الطبعة الثانیة، ١٤١٧ق.
١٦. صافی گلپایگانی، لطف الله، **منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر**، قم، دفتر آیت الله صافی، ١٣٨٠ش.
١٧. الصدر، محمد باقر، **بحث حول المهدي**، بیروت لبنان، الطبعة الاولی،١٣٩٧ق،
١٨. الصدوق ابی جعفرمحمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، **کمال الدین و تمام النعمة**، تصحیح علی اکبر غفاري، تهران، اسلامیه، ١٣٩٥ق.
١٩. الطبری، ابي جعفر جریر، **تاریخ الطبری**، تاریخ الرسل والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانیة دار المعارف بمصر، ١٩٦٧ م.
٢٠. الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن ، **الاحتجاج علی اهل اللجاج**، نجف، دارالنعمان، الطبعة الاولی، ١٣٨٦ق.
٢١. الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن **، الغیبة**، مکتبة الصادق علیه السلام، نجف، عراق، الطبعة الثانیة، ١٤٣٢ ق.
٢٢. الطباطبائی، سید محمدحسین، **شیعه در اسلام**، موسسه بوستان کتاب، قم، ١٣٨٨ش.
٢٣. الغزالی، ابو حامد، **فیصل التفرقة بین الإسلام والزندقة**، تحقیق محمود بیجو، الطبعة الاولی، ١٩٩٢م.
٢٤. القفاری، ناصر بن عبدالله، **اصول مذهب الشیعة عرض و نقد**، الطبعة الاولی ١٩٩٤م
٢٥. الکلینی، محمد بن یعقوب، **اصول الکافي**، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.

۲٦. المجلسی، محمدباقر، **بحارالأنوار الجامعة لاخبار ودرر ائمة الاطهار**، بیروت، دار احیاء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۷. مجموعة من الباحثين بإشراف الشيخ عَلوي بن عبد القادر السقاف، **موسوعة الفرق المنتسبة للإسلام**، ناشر موقع الدرر السنية على الإنترنت، ١٤٣٣ق.
۲۸. المقدسی، مرعی بن یوسف ، **الشهادة الذكية فی ثناء الائمة علی ابن تیمیة**، تحقیق نجم عبدالرحمن خلف، موسسة الرسالة، دار الفرقان، الطبعة الاولی، ۲۰۰۹ م.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، **حکومت جهانی مهدی**، قم، انتشارات نسل جوان، چاپ هشتم، ۱۳۹۰ش.
۳۰. النوری طبرسی، میرزا حسین، **النجم الثاقب فی احوال الامام الحجة الغائب**، انتشارات مسجد جمکران، چاپ دوم. ۱۳۷۷ ش.
۳۱. النهاوندی الخراسانی، شیخ علی أکبر، **العبقری الحسان فی أحوال الإمام صاحب الزمان**، تحقیق و تصحیح صادق برزگر بفرویی - حسین احمدی قمی، قم، مسجد جمکران ۱۳۸۸ ش.
۳۲. الوائلي، احمد، **محاضرات حول الامام المهدي**، اعداد و تقدیم مرکز الدراسات التخصصیة فی الامام المهدي، الطبعة الاولی نجف الاشرف ١٤٢٥ق.
۳۳. الوائلي، احمد، **من فقه الجنس فی قنواته المذهبية**، الناشر انتشارات: الشريف الرضى سنة الطبع الطبعة: الأولى.: ١٤١٢ق - ۱۳۷۰ ش.
۳٤. الوائلي، احمد، **هوية التشيع**، تحقيق مؤسسة السبطين العالمية، ناشر: مؤسسة السبطين العالمية، الطبعة الاولى،قم١٤٢٦ ق.
۳۵. الوائلی احمد، **محاضرات الوائلي**، ۱۵ج، مصطفی الشیخ عبدالحمید، دار المصطفی لاحیاء التراث، موسسه ام القری للتحقيق و النشر، الطبعة الاولی، ۲۰۰٦م.
۳٦. الوائلي، احمد، **دفاع عن الحقيقة**، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامي، الطبعة الثانية، ۲۰۰٦م.
۳۷. الهیثمی، شهاب الدین ابن حجر، **الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة**، مكتبة فياض، الطبعة الاولی، ۲۰۰۸م.

سایت:

۳۳ **ttps://urd.ac.ir/fa/cont/**-پاسخ-آیت-الله-جوادي-آملي-به-چهار-پرسش-درباره-امام-زمان/۹۳۵۲

۳۵ **www.alkawthartv.com/news/**۱۷۳٦۷۸